



●○

”

گزارش دیوان محاسبات کشور از سهم ۳۰ درصدی نفت در لایحه بودجه ۱۴۰۵

✂

دیوان محاسبات کشور اعلام کرد که در لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ وابستگی بودجه به نفت کاهش چشمگیر نیافته است.

به گزارش اداره کل روابط عمومی و امور بین الملل دیوان محاسبات کشور، بررسی‌های کارشناسی این نهاد نظارتی نشان می‌دهد برخلاف اعلام سهم ۵ درصدی منابع نفتی در لایحه بودجه ۱۴۰۵، وابستگی بودجه به نفت کاهش نیافته است، بلکه با تغییر رویه در روش‌های ارائه بودجه از طریق انتقال منابع نفتی از ردیف‌های شفاف قانون بودجه به سرفصل‌های جمعی - خرجی و سازوکارهای فرابودجه‌ای، منظور شده است.

همچنین علیرغم درج رقم فروش نفت به میزان ۲۶۳ هزار میلیارد تومان و سهم ۵ درصدی در لایحه بودجه، محاسبات واقعی و تجمیعی منابع حاکی از سهم حدود ۳۰ درصدی نفت در تأمین منابع بودجه است.

این رویه، با تضعیف شفافیت، نقض اصل جامعیت بودجه و محدودسازی نظارت مجلس، موجب انحراف در فرآیند تصمیم‌گیری و تقنین بودجه‌ای خواهد شد.

●○

”

مخالفت کمیسیون تلفیق با بودجه تورم‌زا

✂

نمایندگان کمیسیون تلفیق بودجه مجلس به دلیل نگرانی از افزایش هزینه خانوار و کاهش قدرت خرید مردم، به کلیات لایحه بودجه پیشنهادی دولت برای سال ۱۴۰۵ رأی منفی دادند.

مجتبی یوسفی، سخنگوی کمیسیون تلفیق لایحه بودجه ۱۴۰۵ مجلس شورای اسلامی گفت: پس از بررسی‌های بسیار دقیق نمایندگان عضو کمیسیون تلفیق، کلیات لایحه بودجه پیشنهادی دولت مورد تأیید قرار نگرفت و نمایندگان به آن رأی مخالف دادند.

وی افزود: دلیل اصلی این تصمیم، نگرانی جدی نمایندگان نسبت به افزایش هزینه خانوار و کاهش قدرت خرید مردم بود. یکی از مهم‌ترین مصادیق این نگرانی، پیشنهاد دولت برای افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارکنان در شرایطی است که نرخ تورم بیش از ۴۰ تا ۴۵ درصد برآورد می‌شود.

سخنگوی کمیسیون تلفیق ادامه داد: موضوع افزایش نرخ مالیات برارزش افزوده نیز از دیگر محورهای مورد انتقاد نمایندگان بود. در این زمینه دو نگرانی عمده وجود داشت: نخست تحمیل هزینه بیشتر به بخش تولید و تولیدکنندگان در شرایط سخت اقتصادی بود زیرا در این صورت تولید برای تولیدکنندگان وامرار معاش برای مردم با مشکل مواجه می‌شود.

یوسفی با اشاره به عدم انطباق برخی احکام لایحه بودجه با برنامه هفتم پیشرفت تصریح کرد: بخشی از احکام برنامه هفتم که باید در بودجه‌های سنواتی برای آن‌ها منابع پیش‌بینی می‌شد، در لایحه دولت لحاظ نشده بود. این موضوع از دیگر دلایل رأی منفی نمایندگان به کلیات بودجه محسوب می‌شود.

وی افزود: در حوزه حمایت از خانوار و جلوگیری از افزایش هزینه‌ها نیز ابهاماتی وجود داشت: از جمله در تأمین کالاهای اساسی که قوت غالب مردم است و همچنین در موضوع ارز ترجیحی، نحوه



●○

”

هشدار دیوان محاسبات درباره اطلاعات غلط

✂

دیوان محاسبات نسبت به آماری که مسعود پزشکیان درباره واردات بنزین مطرح کرد، واکنش نشان داد. پزشکیان روز یکشنبه در مجلس در دفاع از لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ با طرح موضوع بارانه‌ها و مصرف انرژی خاطرنشان کرد: در سال جاری حدود ۶ میلیارد دلار صرف واردات بنزین شد. این در حالی است که مردم با مشکلات معیشتی مواجه هستند. این پرسش مطرح است که چرا باید چنین میزان ارزی صرف واردات بنزین شود، در حالی که می‌توان مصرف را مدیریت و منابع حاصل را مستقیماً به مردم پرداخت کرد.

رئیس دولت چهاردهم افزود: دولت سعی کرده است چند موضوع مهم واگذار، از جمله یارانه نان که حدود ۲۹۰ همت برآورد می‌شود، همچنین موضوع ارز ترجیحی و میزان واردات بنزین، در قالب ردیف‌های جمعی - خرجی محاسبه و به مجلس شورای اسلامی ارائه شود تا در صورت موافقت نمایندگان، این یارانه‌ها به حلقه پایانی، یعنی مردم، منتقل شود. چرا باید منابع محدود کشور به جای پرداخت مستقیم به مردم، در اختیار واسطه‌ها قرار گیرد و در نهایت سهمی به مردم نرسد؟

پزشکیان با انتقاد از نحوه توزیع یارانه‌های انرژی گفت: امروز کسی که یک خودرو دارد، صرفاً با مصرف یک پاک بنزین، ماهانه حدود ۸ میلیون تومان یارانه پنهان دریافت می‌کند. اگر مصرف بالاتر برود، این رقم به ۳۰۰۲۰ و حتی ۴۰ میلیون تومان در ماه می‌رسد؛ همین وضعیت درباره گازوئیل، برق، آب و گاز نیز وجود دارد. در مقابل، بخش قابل توجهی از مردم با مشکلات جدی معیشتی، درمانی و زندگی مواجه‌اند. این نابرابری، نتیجه تصمیمات دولت‌ها، مجالس و سیاست‌گذاران است.

واکنش دیوان محاسبات

روز گذشته دیوان محاسبات در اطلاعیه‌ای آمار پزشکیان درباره واردات بنزین را نادرست اعلام کرد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی و امور بین الملل دیوان محاسبات کشور، در پی سخنان رئیس‌جمهور در خصوص «صرف حدود ۶ میلیارد دلار برای واردات بنزین»، دیوان محاسبات کشور بر اساس بررسی‌های مستند و مبتنی بر مدارک مثبته اعلام می‌دارد که هزینه واردات بنزین تا پایان آذرماه سال جاری بالغ بر ۱۰۸ میلیارد دلار بوده است. همچنین مطابق تحلیل الگوی مصرف، روند عملیاتی واردات، ظرفیت تولید داخلی و قراردادهای منعقدشده، برآورد حد اکثری از هزینه واردات بنزین تا پایان سال نیز رقمی در حدود ۲۰۷ میلیارد دلار ارزیابی می‌شود.

این نهاد عالی نظارتی ضمن هشدار در خصوص ارائه اطلاعات غیردقیق و خلاف واقع به رئیس‌جمهور و سایر مقامات در زمینه عملکرد مالی کشور، بر ضرورت اتکاب به داده‌های دقیق، شفاف و قابل راستی‌آزمایی در تصمیم‌گیری‌های کلان مرتبط با اصلاح ناترازی انرژی و سایر امور اقتصادی تأکید دارد.

چه کسانی به پزشک‌های اطلاعات غلط می‌دهند؟

حمید رسایی، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی، در همین زمینه نوشت: بدیهی است که مسئولین عالی این آمار را از مجموعه‌های مرتبط دریافت می‌کنند. ضروری است آقای پزشکیان با کسانی که این گزارش‌ها را در اختیار ایشان قرار داده‌اند برخورد کنند.

حسین مصصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، هم به این موضوع واکنش نشان داد و نوشت: یکی از دلایل عدم موفقیت دولت‌ها، اطلاعات و تحلیل‌های غلط کارشناسان و مشاوران منصوب شده است. گزارش دیوان محاسبات نشان می‌دهد سخنان رئیس‌جمهور محترم در خصوص واردات ۶ میلیارد دلار بنزین نادرست بوده و تاکنون ۱۰۸ میلیارد دلار (آن هم نه‌تیر با نفت ملی و بدون پرداخت ارز) انجام شده است.



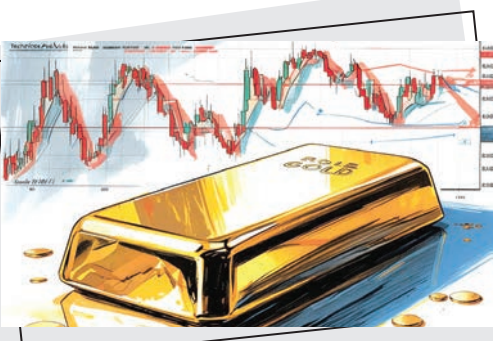
دولت زودتر مسئله ارز کالاهای اساسی را تعیین و تکلیف کند

رئیس کمیسیون صنایع غذایی اتاق بازرگانی ایران با هشدار نسبت به بروز مشکلات جدی در تأمین ارز نهاده‌ها و کالاهای اساسی، گفت ناهماهنگی در برآورد نیاز ارزی سال ۱۴۰۴ و سیاست‌های جدید وزارت جهاد کشاورزی در خصوص زیرکلید رفتن کالاها، زنجیره تأمین صنایع غذایی و امنیت بازار را با تهدید مواجه کرده است.

رشید عزیزپور، رئیس کمیسیون صنایع غذایی اتاق بازرگانی ایران با اشاره به اهمیت واردات نهاده‌ها و کالاهای اساسی برای تأمین مواد غذایی کشور، اظهار داشت: نهاده‌ها و کالاهای اساسی از جمله مهم‌ترین اقلام وارداتی هستند که نقش حیاتی در تولید و عرضه مواد غذایی دارند اما طی ماه‌های اخیر تأمین ارز این کالاها با مشکلات جدی مواجه شده است؛ موضوعی که هم نهاده‌ها و هم کالاهایی مانند روغن نباتی را دربر گرفته است.

وی با بیان اینکه ریشه بخشی از این مشکلات به برنامه‌ریزی ارزی سال آینده بازمی‌گردد، افزود: تأمین ارز کالاهای اساسی برای سال جاری بر اساس منطق و محاسبه دقیق نیاز کشور انجام نشده است. عددی که برای ارز سال ۱۴۰۴ در نظر گرفته شده، نه با نیاز واقعی کشور تطابق دارد و نه با تعهدات باقی‌مانده از سال ۱۴۰۳ همخوانی دارد. این مسئله پیش‌تر از سوی بخش خصوصی به‌صراحت اعلام شد اما متأسفانه مورد توجه قرار نگرفت و امروز آثار آن در بازار نمایان شده است. رئیس کمیسیون صنایع غذایی اتاق بازرگانی ایران، ادامه داد: در کنار مشکل تأمین ارز، سیاست جدید زیرکلید رفتن کالاهای اساسی توسط مجموعه‌های وابسته به وزارت جهاد کشاورزی نیز می‌تواند شرایط را پیچیده‌تر کند. واحدهای تولیدی، واردکنندگان و بازرگانان بر اساس برنامه‌های تجاری مشخص، تعهداتی هم در قبال طرف‌های خارجی و هم بازار داخلی دارند و قفل شدن کالاها بدون منطق شفاف، می‌تواند این تعهدات را با چالش جدی مواجه کند.

عزیزپور با تأکید بر اینکه نظارت بر کالاهای اساسی ضروری است، تصریح کرد: هم در محدود کردن مالکیت و دسترسی فعالان اقتصادی به کالاهایی که با سرمایه و برنامه‌ریزی خودشان تأمین شده است، خوشبختانه طبق وعده‌هایی که از سوی دستگاه‌های اجرایی داده شده، قرار است در این زمینه بازنگری‌هایی صورت گیرد. وی خاطرنشان کرد: اگر هم‌زمان تکلیف تأمین و تخصیص ارز کالاهای اساسی روشن شود و هم مسئله مالکیت و آزادسازی کالاها تعیین تکلیف شود، شرایط به‌مراتب بهتری برای صنایع غذایی کشور رقم خواهد خورد. در این مسیر، آزادسازی تدریجی و منطقی نرخ ارز و کاهش وابستگی صددرصدی تأمین کالاها به ارز ترجیحی، موضوعی است که سال‌هاست مورد تأکید صنعت بوده و می‌تواند به ثبات بازار کمک کند. رئیس کمیسیون صنایع غذایی اتاق بازرگانی ایران بیان کرد: با تصمیم‌گیری سریع و هماهنگ میان دولت و نهاده‌های مرتبط، مشکلات فعلی برطرف شده و زنجیره تأمین مواد غذایی کشور از آسیب‌های جدی مصون بماند.



مرور چهار ساله بازارهای دارایی؛ شکاف بازدهی طلا و بورس

بررسی روند چهارساله بازارهای دارایی نشان می‌دهد طلا با تکیه بر دلار و اونس جهانی، گوی سبقت را از بورس ربوده است؛ شکافی که بیش از هر چیز ریشه در متغیرهای کلان و رفتار سرمایه‌گذاران دارد. در سال‌های اخیر، موازنه بازدهی میان بازارهای دارایی در ایران به‌طور محسوس به نفع طلا تغییر کرده است. یکی از شاخص‌های گویا برای رصد این تغییر، نسبت شاخص صندوق‌های طلا به شاخص کل بورس تهران است؛ نسبتی که از ابتدای ۱۴۰۰ تاکنون بیش از چهار برابر شده و پیام روشن «سرمایه‌گذاری در ابزارهای مبتنی بر طلا، بازدهی به‌مراتب بالاتری نسبت به سهام نصیب سرمایه‌گذاران کرده است» را دارد.

این واگرایی صرفاً به ضعف بازار سهام باز نمی‌گردد. بازار طلا در این دوره از «حمایت‌دوگانه» رشد مستمر نرخ دلار در داخل و جهش قیمت اونس طلا در بازار جهانی برخوردار بوده است. دلار طی سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۲ نوساناتی کم‌سابقه را تجربه کرده و در برخی سال‌ها رشد بیش از ۶۰ درصدی را به ثبت رسانده است. این روند، طلا را به ابزاری برای پوشش ریسک کاهش ارزش پول ملی تبدیل کرده و جذابیت آن را برای سرمایه‌گذاران افزایش داده است. در سطح جهانی نیز شرایط به نفع طلا بود. افزایش نااطمینانی‌های ژئوپلیتیک، نگرانی از رکود اقتصاد جهانی و تغییر مسیر سیاست‌های پولی بانک‌های مرکزی موجب شد اونس طلا در دو سال اخیر بازدهی بالایی ۴۰ درصدی داشته باشد. هم‌زمانی رشد دلار و اونس، اثر هم‌افزایی قدرتمندی ایجاد کرد و قیمت طلا و سکه داخلی را به‌طور پیوسته در مسیر صعود نگه داشت.

در مقابل، بازار سهام ایران با چالش‌های مزمنی مانند بی‌ثباتی سیاست‌گذاری، نوسانات نرخ بهره و کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران مواجه بود. این عوامل موجب شد بورس نتواند همپای رشد متغیرهای تورمی حرکت کند و در نتیجه از بازار طلا عقب بماند. پیامد این وضعیت، تغییر رفتار سرمایه‌گذاران و افزایش سهم طلا در سبد دارایی‌ها بود؛ موضوعی که رشد صندوق‌های طلا به خوبی آن را تأیید می‌کند. این در حالی است که به‌طور کارشناسان تا زمانی که نرخ دلار در سطوح بالا نوسان می‌کند و اونس جهانی طلا تحت تأثیر ریسک‌های بین‌المللی باقی می‌ماند، برتری نسبی بازار طلا ادامه خواهد داشت. از سوی دیگر، بازگشت تعادل به نفع بورس بیش از هر چیز نیازمند تحولات بنیادین در اقتصاد کلان، ثبات سیاست‌گذاری و تقویت سودآوری واقعی شرکت‌هاست؛ بدون این پیش‌شرط‌ها، شکاف بازدهی میان طلا و سهام به این زودی‌ها پر نخواهد شد.



اقتصاد کالاهای اساسی در بن بست تصمیم‌گیری

گزارش

محمد مهدی فامیل محمدی کارشناس اقتصادی، سیاست ارز ترجیحی را الگویی نامطلوب برای حمایت از مصرف‌کننده دانست و افزود: این سیاست از ابتدا با چالش‌های ساختاری همراه بوده است اما حذف آن بدون فراهم‌شدن پیش‌شرط‌هایی مانند جلوگیری از انحصار در واردات، تأمین سرمایه در گردش تولیدکنندگان و جبران کاهش قدرت خرید مردم، می‌تواند به شوک‌های شدید اقتصادی منجر شود. مسئله اصلی امروز اقتصاد کالاهای اساسی که خود را در افزایش قیمت نهاده‌ها نشان داده، نه کارآمدی یا ناکارآمدی ذاتی ارز ترجیحی، بلکه اجرانشدن واقعی این سیاست در سال جاری است. تعویق و بن بست تصمیم‌گیری، کشور را در یک دوراهی خطرناک قرار داده است؛ از یک سو، حذف ارز ترجیحی بدون پیش‌شرط‌ها می‌تواند شوک‌شدیدی به بازار

وارد کند و از سوی دیگر، تداوم آن در شرایط کمبود منابع و اجرای ناقص، خطر کمبود عرضه را افزایش می‌دهد که هر دو مسیر می‌تواند با مخاطرات اجتماعی همراه باشد.

افزایش نرخ ارز و متناسب با آن قیمت نهاده‌های دامی در بازار داخلی با وجود اختصاص ارز ترجیحی، این شبهه را ایجاد کرده است که حمایت از مصرف کالاهای اساسی با این روش کارآمد نیست. در عین حال مسئله اصلی در حال حاضر نه وجود یا عدم وجود ارز ترجیحی، بلکه عدم تأمین ارز به دلیل کمبود منابع ارزی کشور است. در این راستا محمد مهدی فامیل محمدی، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با مسیر اقتصاد گفت: این سیاست، از منظر کارشناسی، یک الگوی مطلوب حمایتی نیست. ارز ترجیحی از همان ابتدا به جای آنکه به‌طور مستقیم از مصرف‌کننده حمایت کند، به زنجیره‌ای از تخصیص، واردات و توزیع یارانه داده که مستعد رانت، ناکارآمدی و انحراف بوده است.



این اوراق به‌عنوان اوراق معیار در بازار بدهی چین شناخته می‌شود و نقش محوری در تأمین مالی پروژه‌های توسعه‌ای این کشور دارد. این تجربه نشان می‌دهد که بازارمحوری، نتیجه سیاست‌گذاری فعال است، نه جایگزین آن.

الزامات سیاسی انتشار اوراق توسعه برای ایران تجربه چین نشان می‌دهد که شکل‌گیری بازار اوراق بخشی از اوراق توسعه، می‌تواند در مراحل اولیه به ایجاد توسعه‌ای نیازمند ترکیبی از الزامات قانونی و مشق‌های اقتصادی است. الزام بانک‌ها و نهاده‌های مالی به خرید بخشی از اوراق توسعه، می‌تواند در مراحل اولیه به ایجاد تقاضای پایدار کمک کند. در کنار آن، اقداماتی مانند پذیرش این اوراق در عملیات بازار باز، مستثنا شدن از برخی محدودیت‌های نظارتی مانند کنترل ترازنامه، تضمین دولت به‌عنوان رکن ضامن بازپرداخت اوراق و قابلیت توثیق و معامله‌پذیری، جذابیت این ابزار را برای سرمایه‌گذاران افزایش می‌دهد.

انتشار اوراق توسعه می‌تواند نقش مؤثری در تأمین مالی بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران داشته باشد؛ ابزاری که ضمن تأمین منابع پایدار، استقلال عملیاتی و انضباط مالی این نهاد را تقویت می‌کند. تجربه بانک توسعه چین نشان می‌دهد که موفقیت در این مسیر، مستلزم یک دوره گذار هوشمندانه و حمایت هدفمند بانک مرکزی است. اگر این مسیر به‌درستی طراحی شود، بازار اوراق توسعه‌ای می‌تواند به یکی از ارکان اصلی نظام تأمین مالی بلندمدت کشور تبدیل شود و نقش بانک توسعه را در پیشبرد طرح‌های کلان توسعه‌ای تثبیت کند.

کردش تولیدکنندگان است؛ واحدهایی که سال‌ها مواد اولیه خود را با ارز ناآمین کرده‌اند و حذف ناگهانی آن، بدون جایگزین مالی، می‌تواند به کاهش شدید تولید منجر شود. شرط سوم نیز جبران کاهش قدرت خرید مردم است؛ چراکه حذف یارانه ارزی مستقیماً خود را در افزایش قیمت کالاهای ضروری نشان می‌دهد.

مشکل فعلی عدم تأمین و تخصیص ارز است

باین حال، محمدی معتقد است مسئله اصلی امروز، نه در سطح «حذف یا تداوم» ارز ترجیحی، بلکه در واقعیت اجرای آن نهفته است. به گفته او، در سال جاری عملاً سیاست ارز ترجیحی به‌معنای واقعی اجرا نشده است. دولت سال را با بدهی چند میلیارد دلاری به واردکنندگان آغاز کرده و بخش قابل‌توجهی از ارزی که تخصیص یافته، صرف تسویه تعهدات گذشته شده است. از سوی دیگر، فاصله معنادار میان نیاز واقعی ارزی واردات کالاهای اساسی و منابعی که برای آن در نظر گرفته شده، نشان می‌دهد سیاستی که روی کاغذ وجود دارد، در عمل به‌طور کامل پیاده نشده است. در چنین شرایطی، محمدی تأکید می‌کند: نمی‌توان آثار بازار را به پای خود سیاست نوشت؛ چراکه اساساً سیاستی اجرا نشده که بخواهیم درباره اثرگذاری آن قضاوت کنیم.

وی افزود: این وضعیت پلانتکلیف، به‌ویژه در بستر کاهش درآمد‌های ارزی و تعویق تصمیم‌گیری در سطوح بالای دولت، اقتصاد کالاهای اساسی را در یک وضعیت بینابینی و پرریسک قرار داده است. او برای توضیح پیامدهای این پلانتکلیفی، به یک نشانه‌مهم در زنجیره تأمین خارجی اشاره می‌کند: افزایش فاصله میان قیمت‌های جهانی کالاها و هزینه تمام‌شده واردات برای ایران. به گفته محمدی، وقتی سیاست‌های ارزی و تجاری ثبات ندارند و پیام‌های متناقض به بازار ارسال می‌شود، لایه‌های از هزینه‌های اضافی، از واسطه‌گری مالی گرفته تا ریسک و ناکارآمدی تأمین، روی قیمت جهانی سوار می‌شود. نتیجه آن است که حتی بدون افزایش قیمت‌های جهانی، واردات برای کشور گران‌تر تمام می‌شود و فشار نهایی به بازار داخلی منتقل می‌شود.

دوراهی خطرناک تداوم وضع موجود

و حذف شتابزده ارز ترجیحی

در پایان، محمدی وضعیت پیش‌روی رایک دوراهی خطرناک توصیف کرد و گفت: از یک سو، حذف ارز ترجیحی بدون پیش‌شرط‌ها می‌تواند شوک شدیدی به بازار وارد کند و از سوی دیگر، تداوم آن در شرایط کمبود منابع و اجرای ناقص، خطر کمبود عرضه را افزایش می‌دهد؛ خطری که به‌ویژه در مقاطع حساسی مانند شب عید و ماه رمضان می‌تواند به تنش اجتماعی تبدیل شود. ادامه این وضعیت نه راه‌حل است و نه قابل‌دوام؛ چراکه سیاستی که اجرایی‌شود، اما هزینه‌اش پرداخت می‌شود، دیربازود خود به منبع بحران تبدیل خواهد شد.

حذف ارز ترجیحی بدون فراهم‌شدن پیش‌شرط‌های حداقلی، می‌تواند به شوک‌های شدید قیمتی و تولیدی منجر شود. نخستین پیش‌شرط، جلوگیری از شکل‌گیری یا تقویت انحصار در بازار کالاهای اساسی است

ورود ارز پتروشیمی‌ها به تالار دوم؛ سیگنال به بازار ارز و بورس

بازدید شدن به اجرای طرح عرضه بخشی از ارز پتروشیمی‌ها در تالار دوم مرکز مبادله، یکی از مهم‌ترین گره‌های سیاست ارزی کشور در آستانه تغییر قرار گرفته؛ تصمیمی که می‌تواند هم‌زمان بر بازار ارز، گلیت بازار سرمایه و آینده صنعت پتروشیمی اثر گذار باشد.

بر اساس اظهارات دبیرانجمن صنفی کارفرمایی صنعت پتروشیمی، فرآیندهای اداری مربوط به عرضه ارز برخی محصولات پتروشیمی در تالار دوم مرکز مبادله رو به پایان است و به زودی بخشی از ارز حاصل از صادرات این صنعت وارد این تالار خواهد شد. هرچند تمام ارز پتروشیمی‌ها به تالار دوم منتقل نمی‌شود اما مشمول محصولاتی مانند مونوتیلن گلیکول، پلی‌استایرن، پنتان، بوتان، پروپان و فرآورده‌های حاصل از گازهای فلر، پیام «سیاست‌گذار ارزی در حال حرکت به سمت انعطاف‌پذیری بیشتر است» را برای فعالان اقتصادی دارد.

اثر بازار ارز، کاهش فشار، افزایش شفافیت

عرضه ارز پتروشیمی‌ها در تالار دوم، به معنای افزایش عمق بازار رسمی ارز و کاهش بخشی از فشار تقاضا در بازارهای غیررسمی است. از آنجا که این سیستم معمولاً نرخ‌های نزدیک‌تر به واقعیت‌های اقتصادی فعالیت می‌کند، ورود ارز صادراتی پتروشیمی‌ها می‌تواند به تعدیل انتظارات تورمی، کاهش نوسانات هیجانی نرخ ارز و تقویت نقش مرکز مبادله به‌عنوان مرجع قیمت‌سازی کمک کند. به بیان دیگر، این تصمیم می‌تواند فاصله میان نرخ‌های رسمی و نیمه‌رسمی را کاهش داده و سیگنال ثبات به بازار مخابره کند.

اثر بر گلیت بازار سرمایه: بهبود شفافیت سودآوری

برای بازار سرمایه، این تصمیم واجد دو پیام کلیدی است. نخست، شفاف‌تر شدن فرآیند تسعیر ارز شرکت‌های پتروشیمی که بخش مهمی از ارزش بازار بورس را تشکیل می‌دهند. دوم، کاهش ریسک سیاست‌گذاری و ابهام در درآمد‌های ارزی شرکت‌ها است. هرچه مسیر بازگشت از صادراتی مشخص تر و مبتنی بر مکانیسم بازار باشد، تحلیل‌پذیری صورت‌های مالی شرکت‌ها افزایش یافته و سرمایه‌گذارانی می‌توانند با اطمینان بیشتری به برآورد سودآوری بپردازند. در چنین شرایطی، می‌توان انتظار داشت بخشی از بی‌اعتمادی مزمن نسبت به صنایع صادرات‌محور کاهش یابد.

اثر بر صنعت پتروشیمی: انعطاف عملیاتی و رقابت‌پذیری

از منظر صنعت پتروشیمی، عرضه ارز در تالار دوم به معنای افزایش اختیار و انعطاف در مدیریت جریان‌های ارزی است. این موضوع می‌تواند حاشیه سود برخی شرکت‌ها را بهبود داده و انگیزه صادرات را تقویت کند؛ به‌ویژه برای محصولاتی که پیش‌تر با محدودیت‌های قیمتی و ارزی مواجه بودند. همچنین، این سیاست می‌تواند به افزایش رقابت‌پذیری صنعت پتروشیمی ایران در بازارهای منطقه‌ای و جهانی کمک کند، چراکه بنگاه‌ها با واقع‌بینی بیشتری نسبت به نرخ ارز تصمیم‌گیری خواهند کرد.

به‌طور کلی، اگرچه موفقیت نهایی این سیاست به نحوه اجرا، حجم واقعی ارز عرضه‌شده و تداوم آن بستگی دارد اما در صورت اجرای منسجم، می‌توان آن را یکی از مهم‌ترین اصلاحات ارزی ماه‌های اخیر دانست؛ اصلاحی که بازار را از آرام‌تری می‌کند، تحلیل‌پذیری بازار سرمایه را افزایش می‌دهد و به صنعت پتروشیمی، به‌عنوان موتور ارزآوری کشور، نفس تازه‌ای می‌بخشد.



روایت یک اقتصاددان از سه ریشه نوسان ارزی

هم‌زمان با ثبت سقف‌های تاریخی جدید برای دلار و سکه، پرسش از چرایی تداوم نوسان‌ها پررنگ‌تر شده است. استاد اقتصاد می‌گوید بدون مهار تورم و اصلاح ساختار بودجه، ثبات ارز دست‌نیافتنی خواهد بود. بازار ارز و سکه تهران از فاز نوسان عبور کرده و وارد مرحله‌ای شده که فعالان بازار دیگر با «قیمت روز» هم کار نمی‌کنند. اینجا قیمت‌ها دقیقه‌ای جابه‌جا می‌شوند، تابلوها به‌روز نمی‌مانند و هر عدد تازه، تنها مقدمه‌ای برای شکستن یک سقف تاریخی دیگر است. دلار با شتابی کم سابقه رکورد می‌زند و سکه، هم‌پا و گاهی جلوتر، مرزهایی را پشت سر می‌گذارد که تا همین چند وقت پیش، خط قرمز ذهنی بازار بودند.

در چنین فضایی، رفتار معامله‌گران بیشتر از آنکه عقلانی باشد، واکنشی و مبتنی بر ترس جا ماندن است؛ ترسی که با هر افزایش ناگهانی، تقویت می‌شود و خود به موتور محرک موج بعدی گرانی بدل می‌گردد. از سوی دیگر، رشد موازی قیمت طلا و ارز، انتظارات تورمی را به‌شدت بالا برده و سرمایه‌های سرگردان را از بازارهای مولد دور کرده است؛ وضعیتی که نه تنها به آرامش ختم نمی‌شود، بلکه هر روز لایه تازه‌ای از التهاب به اقتصاد تزریق می‌کند. در این میان، نگاه به عوامل مقطعی و شوک‌های خبری، اگرچه بخشی از واقعیت را توضیح می‌دهد، اما تصویر کامل‌تری از آنچه امروز در بازار می‌گذرد ارائه نمی‌کند. ریشه ناآرامی‌ها عمیق‌تر از یک خبر یا یک تصمیم کوتاه‌مدت است. تورم مزمن، ناترازی شدید بودجه، فشارهای مالی دولت و شکل‌گیری موج گسترده سفته‌پازی در بازار طلا، به تدریج ساختاری ساخته‌اند که در آن، هر تکه‌انه کوچکی می‌تواند به جهشی بزرگ در نرخ ارز و سکه تبدیل شود. محمد کهندل، استاد دانشگاه و کارشناس مسائل اقتصادی، در گفت‌وگو با خبرنگار تسنیم معتقد است آنچه امروز در بازار می‌بینیم، حاصل تجمع فشارهای ساختاری است: از تورم مزمن و ناترازی بودجه گرفته تا جابه‌جایی تقاضای سفته‌پازانه از طلا به ارز. او تأکید می‌کند بدون مهار هم‌زمان این عوامل، نمی‌توان انتظار ثباتی داشت که از یک شوک تا شوک‌های بعدی دوام بیاورد.

۳ عامل اصلی التهاب بازار طلا و ارز
محمد کهندل، استاد دانشگاه و کارشناس مسائل اقتصادی، نوسانات اخیر بازار ارز را در قالب سه عامل اصلی تحلیل کرد و گفت: نخستین و بنیادی‌ترین عامل، تورم مزمن است. ارز مانند هر کالای دیگری از کاهش ارزش پول ملی تبعیت می‌کند؛ وقتی تورم بالا می‌رود، عملاً ارزش رِیال کاهش پیدا می‌کند و در چنین شرایطی، افزایش نرخ ارزهای خارجی یک رفتار طبیعی اقتصادی است، نه یک اتفاق استثنایی. وی افزود: اگر هدف سیاست‌گذار، ثبات بلندمدت در بازار ارز است، پیش‌نیاز آن مهار پایدار تورم است؛ مهاریه که تنها از عهده یک نهاد برنمی‌آید و نیازمند هماهنگی واقعی همه دستگاه‌های اقتصادی کشور است. تا زمانی که تورم به‌عنوان یک متغیر مزمن در اقتصاد ایران حضور دارد، انتظار ثبات پایدار ارزی، انتظار واقع‌بینانه‌ای نیست.

این کارشناس اقتصادی، دومین عامل نوسانات ارزی را به سیاست‌های مالی دولت و ناترازی بودجه نسبت داد و تصریح کرد: ساختار بودجه‌ای کشور به‌شدت نامتعادل است. دولت با نواحی تشنگی مزمن منابع روبرو است و برای تأمین رِیال مورد نیاز بودجه، فشار این کمبود ناخواسته به حوزه سیاست‌های پولی و ارزی منتقل می‌شود. کهندل ادامه داد: نبود استقلال عملی بانک مرکزی و غلبه سیاست‌های مالی دولت بر تصمیمات پولی، باعث شده نرخ ارز به یکی از مسیرهای جریان کسری بودجه تبدیل شود. در چنین فضایی، افزایش نرخ ارز نه تنها غیرمنتظره نیست، بلکه گاهی به ابزاری ضمنی برای پوشش این ناترازی‌ها بدل می‌شود. وی با اشاره به ارقام بودجه‌ای کشور گفت: بررسی بودجه نشان می‌دهد بین هزینه‌ها و درآمدهای پایدار، به‌ویژه درآمدهای مالیاتی، ناهماهنگی شدیدی وجود دارد. بودجه چند هزار همتی بدون پیش‌بینی منابع غیرتورمی کافی، به‌طور طبیعی تورم‌زا است و همین روند، اقتصاد را به سمت فعالیت‌های غیرمولد سوق می‌دهد؛ فعالیت‌هایی که سفته‌بازی را تقویت کرده و فشار مضاعفی بر بازار ارز وارد می‌کنند.

این استاد دانشگاه، سومین عامل نوسانات بازار ارز را افزایش تقاضای سفته‌پازانه در بازار طلا دانست و اظهار داشت: در سال‌های اخیر، سیاست دلارزدایی و استفاده از ارزهای جایگزین در مبادلات خارجی دنبال شده‌ود در برخی حوزه‌ها هم نتایج مثبتی داشته است، اما یک نکته کلیدی در این میان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. طلا و دلار در نظام قیمت‌گذاری جهانی هم‌سنگ هستند؛ قیمت طلا بر پایه دلار تعیین می‌شود و افزایش تقاضای سفته‌پازانه برای طلا، به‌صورت غیرمستقیم تقاضای ارز را نیز بالا می‌برد. او افزود: معرفی طلا به‌عنوان یک ابزار جذاب سرمایه‌گذاری، تقاضای کاذبی ایجاد کرده که خیلی سریع خود را به بازار ارز منتقل می‌کند. نتیجه آن رami بینیم: قیمت دلار، یورو و سایر ارزها تحت تأثیر این موج، افزایش پیدا می‌کند. فعالیت گسترده کانال‌ها، سایت‌ها و پلتفرم‌های آنلاین خرید و فروش طلا نیز این انتظارات تورمی و ارزی را تشدید کرده و التهاب را به‌صورت زنجیره‌ای به سایر بازارها منتقل می‌کند. کهندل با اشاره به برخی شوک‌های مقطعی از جمله تحولات صادرات نفت و محدودیت‌های بین‌المللی گفت: این عوامل می‌توانند نقش تشدیدکننده داشته باشند، اما ماهیت آن‌ها کوتاه‌مدت است. در نبود مشکلات ساختاری، شوک‌های سیاسی و بیرونی دوام زیادی ندارند و خودبه‌خود تخلیه می‌شوند. وی همچنین طولانی شدن فرآیند تخصیص ارز به واردکنندگان را یکی دیگر از عوامل تشدید نوسان دانست و افزود: افزایش فاصله زمانی بین ثبت تقاضا و تأمین ارز باعث می‌شود بخشی از تقاضا به بازار غیررسمی منتقل شود. این مسئله زنجیره تولید را مختل می‌کند و تولیدکننده را ناچار می‌سازد به بازار آزاد بازار بپردازد؛ مسیری که دوباره به افزایش نوسان ارزی منتهی می‌شود. این کارشناس اقتصاد را دربار بازگشت ارزهای صادراتی نیز تأکید کرد: برخی آمارها مطرح شده در این حوزه نیازمند شفاف‌سازی دقیق است. صرف عدم رفع تعهد ارزی الزاماً به معنای عدم ورود کالا یا ارز به کشور نیست. در بسیاری از موارد، مشکلات اجرایی، کم‌رکی یا مقرراتی باعث تأخیر در تسویه می‌شود. طرح اعداد بزرگ بدون توضیح کارشناسی در رسانه‌ها، بیش از آنکه مسئله‌ای را حل کند، فضای اقتصادی و اجتماعی را ملتهب و اعتماد عمومی را تضعیف می‌کند.

کهندل در جمع‌بندی سخنان خود گفت: اگر هدف سیاست‌گذار آرام‌سازی واقعی بازار ارز است، باید به‌صورت هم‌زمان روی سه محور اصلی تمرکز کند؛ مهار تورم، اصلاح ساختار بودجه و کنترل فعالیت‌های سفته‌پازانه به‌ویژه در بازار طلا. ثبات ارزی با تصمیمات مقطعی به‌دست نمی‌آید؛ این ثبات محصول اصلاحات عمیق ساختاری، هماهنگی واقعی سیاست‌های مالی و پولی و بازگشت اعتماد به فضای اقتصادی کشور است.

سه‌شنبه ۹ دی ۱۴۰۴

مدیر مسئول: مهدی مهرپور

۳۰ December ۲۰۲۵

چاپخانه: نگار نقش

کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸

آدرس: خیابان آزادی - چهارراه فرصت - پلاک ۹۸ - طبقه ۶

شماره ۳۶۳

روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۹۶



بودجه ۱۴۰۵؛ استراتژی اشتغال یا نسخه تعمیق رکود؟

گزارش

بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۵ نشان می‌دهد دولت در حالی از اشتغال و رونق بازار کار سخن می‌گوید که ترکیب سیاست‌های مالی، مالیاتی و پولی در این لایحه، سیگنال روشنی از تعمیق رکود، کاهش سرمایه‌گذاری و تضعیف اشتغال مخابره می‌کند.

افزایش سنگین درآمدهای مالیاتی، رشد انتشار اوراق بدهی، تثبیت بودجه عمرانی و بی‌توجهی به قدرت خرید نیروی کار، چشم‌انداز بازار کار در سال آینده را با ابهام جدی مواجه کرده است. لایحه بودجه ۱۴۰۵ در شرایطی به مجلس ارائه شده که اقتصاد ایران همچنان با رکود، تورم مزمن، کاهش سرمایه‌گذاری و فرسایش اشتغال مواجه است. با این حال، شواهد عددی و سیاستی این لایحه نشان می‌دهد که دولت بیش از آنکه به دنبال تحریک تولید و بازار کار باشد، بر تأمین منابع مالی خود از مسیرهایی متمرکز شده که هزینه آن مستقیماً بر دوش کسب‌وکارها و نیروی کار خواهد افتاد.

افزایش مالیات؛ اولین موتور تعمیق رکود

بر اساس لایحه بودجه ۱۴۰۵، درآمدهای مالیاتی دولت با رشد ۶۲ درصدی نسبت به سال ۱۴۰۴ به رقم ۲۹۶ هزار میلیارد تومان (همت) رسیده است. این افزایش چشمگیر در شرایطی رخ می‌دهد که بخش تولید و خدمات همچنان با کاهش تقاضا، افزایش هزینه‌ها و افت سودآوری مواجه است.

در عمل، این رشد مالیاتی نه‌از محل گسترش پایه‌های جدید، بلکه از محل فشار بیشتر بر بنگاه‌های موجود تأمین خواهد شد؛ فشاری که به گفته فعالان اقتصادی، مستقیماً به کاهش تولید، تعدیل نیرو و تشدید رکود منجر می‌شود.

دستمزدهای عقب‌مانده از تورم؛ تهدید مستقیم اشتغال

یکی دیگر از محورهای نگران‌کننده بودجه ۱۴۰۵، رشد تنها ۲۰ درصدی حقوق و دستمزدها در شرایطی است که نرخ تورم واقعی به‌مراتب بالاتر برآورده می‌شود. این شکاف میان تورم و دستمزد، قدرت خرید نیروی کار را کاهش داده و تقاضای مؤثر در اقتصاد را تضعیف می‌کند؛ عاملی که به‌طور غیرمستقیم، بازار کار و اشتغال را نیز تحت فشار قرار می‌دهد.

اوراق بدهی؛ رقابت دولت با بخش خصوصی برای نقدینگی

طبق لایحه، حجم انتشار اوراق بدهی دولتی در سال ۱۴۰۵ با رشد ۲۵ درصدی به ۹۴۰ همت خواهد رسید. این سیاست به معنای رقابت مستقیم دولت با بخش خصوصی برای جذب نقدینگی است؛ رقابتی که معمولاً به‌یاد ماندن نرخ بهره، محدود شدن سرمایه‌گذاری مولد و درنهایت کاهش فرصت‌های شغلی منجر می‌شود.

بودجه عمرانی؛ تثبیت اسمی، رکود واقعی

بودجه عمرانی کشور در لایحه ۱۴۰۵ در سطح ۶۰۰ همت تثبیت شده است؛ رقمی که با توجه به

تورم بالا و انباشت پروژه‌های نیمه‌تمام، عملاً به معنای کاهش واقعی سرمایه‌گذاری دولتی است. نبود تحرک در پروژه‌های عمرانی، به‌ویژه در استان‌ها، پیامد مستقیمی برای اشتغال و رشد اقتصادی خواهد داشت.

هزینه‌های تولید و شوک انرژی

افزایش قیمت حامل‌های انرژی از جمله برق، یکی دیگر از متغیرهای مؤثر بر بازار کار در سال آینده است. این افزایش هزینه، حاشیه سود بنگاه‌ها را کاهش داده و رقابت‌پذیری بخش مولد را تضعیف می‌کند؛ موضوعی که می‌تواند به تعطیلی واحدها یا کاهش ظرفیت تولید و اشتغال منجر شود.

تأثیر بودجه ۱۴۰۵ بر اشتغال از دید کارشناسان

حسین پیرمومن، نایب‌رئیس اتاق ایران با انتقاد از رویکرد مالیاتی دولت می‌گوید: «رشد کلی درآمدهای مالیاتی به‌عنوان یکی از منابع اصلی جریان کسری بودجه ۱۴۰۵، اقدامی نادرست و ضد تولید است.»

او هشدار می‌دهد که افزایش ۲ درصدی مالیات بر ارزش افزوده می‌تواند پیامدهایی همچون کاهش مصرف داخلی، افزایش هزینه تولید، فشار بر اقشار کم‌درآمد، تشدید رکود اقتصادی و حتی افزایش قاچاق و فرار مالیاتی را به همراه داشته باشد.

مسعود روغنی زنجانی، رئیس سابق سازمان برنامه و بودجه نیز تصویری نگران‌کننده از وضعیت بازار کار ترسیم می‌کند: «در سال جاری پیش‌بینی می‌شود ۳۵۰ تا ۴۰۰ هزار شغل از دست برود و سرمایه‌گذاری ناخالص تا ۵٫۸ درصد کاهش یابد و نرخ بیکاری به ۹٫۳ درصد برسد. با این شرایط، از این بودجه چه انتظاری می‌توان داشت؟ رفاه؟ نه. توزیع عادلانه؟ نه. کیفیت کالا و خدمات؟ نه.»

حمیدرضا رسنگار، رئیس اتاق اصناف تهران نیز با تأکید بر فشار مالیاتی بر کسب‌وکارها می‌گوید: «بودجه ۱۴۰۵ با نفع مردم و کسب‌وکارها نیست. زمانی مالیات می‌تواند افزایش یابد که درآمدم مردم و بنگاه‌ها بیشتر شود، نه زمانی که تنها تورم کالاها بالا رفته است.»

مجموعه سیاست‌های پیش‌بینی‌شده در لایحه بودجه ۱۴۰۵ - از افزایش سنگین مالیات‌ها و اوراق بدهی گرفته تا تثبیت بودجه عمرانی و سرکوب دستمزدها - نشان می‌دهد که خروجی نهایی این بودجه، نه رونق بازار کار، بلکه تعمیق رکود، کاهش سرمایه‌گذاری و تضعیف اشتغال خواهد بود.

بودجه‌ای علیه اشتغال؟

مجموعه سیاست‌های پیش‌بینی‌شده در لایحه بودجه ۱۴۰۵ - از افزایش سنگین مالیات‌ها و اوراق بدهی گرفته تا تثبیت بودجه عمرانی و سرکوب دستمزدها - نشان می‌دهد که خروجی نهایی این بودجه، نه رونق بازار کار، بلکه تعمیق رکود، کاهش سرمایه‌گذاری و تضعیف اشتغال خواهد بود.

در چنین شرایطی، به‌نظر می‌رسد بازار کار ایران در سال ۱۴۰۵ بیش از آنکه از بودجه دولت منتفع شود، باید هزینه‌های آن را بپردازد.

مثلت شوم به‌هم‌زننده بازار ارز؛ چه باید کرد؟

در آن اتفاق خواهد افتاد.

خسروی از تمدید مهلت ثبت سفارش‌ها گلایه کرد و بیان کرد: این که مدت زمان ثبت سفارش‌ها چه مقدار اعتبار دارد، بسیار چالش برانگیز است، چراکه خیلی از ثبت سفارش‌های برای چند سال قبل است و برخی از افراد همان ثبت سفارش‌های سالیان قبل را مجدداً احیا می‌کنند که این موضوع قطعاً باعث ایجاد چالش‌های فراوانی در حوزه ارز تجاری و تخصیص آن خواهد شد. لذا باید برای ثبت سفارش سقف زمانی معین در بازه زمانی کمتر از یک سال مشخص شود تا از بروز مشکلات بعدی جلوگیری شود و شفاف‌سازی صورت بپذیرد. مقررات ویرایش، سال اعتبار، دفعات تمدید، هزینه، ضوابط، سهمیه‌بندی، میزان و ظرفیت ثبت سفارش از جمله نکات اساسی است که باید مورد بررسی و تجدیدنظر قرار گیرد. وی در ادامه تصریح کرد: بیش از ۸۰ درصد نوسانات ارزی در بازار غیررسمی ناشی از تجارت رسمی کشور و تصمیمی است که در این حوزه اتخاذ می‌شود.

سومین مشکل بازار ارز؛ تخصیص ارز با تأمین ارز مسئله نیست؛ اصل مشکل تخصیص ارز است
این کارشناس اقتصادی اضافه کرد: طبق قانون تخصیص ارزهای وصول‌شده با بانک مرکزی ولی این سؤال مطرح می‌شود: آیا بانک مرکزی می‌داند که در کشور چه میزان مواد اولیه صنعتی لازم است؟ چه میزان خودرو لازم دارد؟ چه میزان کالاهای پزشکی لازم دارد؟ و قس‌علی‌هذا، چراکه مفهوم تخصیص، یعنی بودجه‌بندی و این که چه مقدار به کدام کالا داده شود، پس اولویت‌بندی اینکه به چه کالاهایی ارز تخصیص داده شود، توسط وزارتخانه‌های مربوطه تعیین می‌شود و بانک مرکزی هیچ اطلاعی از میزان نیاز کشور به محصولات وارداتی ندارد و صرفاً مجری اولویت‌بندی دستگاه‌های اجرایی است. وی افزود: بانک مرکزی نقش تنظیم‌گری و ممبر رادار؛ مدیر و معلم نیست. بانک مرکزی در خصوص مسائلی مانند اولویت‌بندی زمانی و مقدار تقدم و تأخر، منطبق با درخواست وزارتخانه‌ها عمل می‌کند.

کاهش وصول ارز
این کارشناس مرحله چهارم در فرآیند تجاری کشور را تأمین ارز اعلام و ابراز کرد: به دلیل کاهش وصول ارز، تأمین ارز برای واردات با چالش مواجه شده است، تأمین ارزی یعنی ارزی که در اختیار بانک مرکزی است. به‌لحاظ حجمی تأمین ارز، ابتدا از طریق صنعت نفت و گاز صورت می‌گیرد و هر میزان که نفت و گاز صادرات داشته باشند و آن را نیز وصول کنند، بانک مرکزی می‌تواند آن ارز وصول‌شده را در کشور عرضه کند که عمدتاً از نفت برای کالاهای اساسی و با قیمت ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان دلار است، در صورتی که ظرفیت ایجاد ثبت سفارش را ۲۰۰ میلیارد دلار اعلام کنیم، کم‌کم طبیعتاً این روند، شرایط ارزی کشور را دچار چالش می‌کند و موجب افزایش نرخ ارز می‌شود، همچنین اگر ظرفیت ایجاد ثبت سفارش کالایی چند برابر شود، قطعاً پولشویی

یک کارشناس مسائل اقتصادی با تشریح اختلالات موجود در سامانه تجاری کشور، از صدور غیراصولی کارت‌های بازرگانی تا ثبت سفارش‌های بی‌ضابطه، بر شفاف‌سازی و نظارت دقیق برای مدیریت بازار ارز تأکید کرد.

به‌زاد خسروی اظهار داشت: در حوزه بازار ارز، دو گروه برای ارز داریم: یکی از تجاری اعم از تجارت کالا و خدمات و دیگری از غیرتجاری که در سیگل ارزی کشور فرآیند خود را طی می‌کنند، به عبارتی، تجارت دارای قوانینی همچون صادرات و واردات با صدور کارت بازرگانی است که متولی آن نیز مستقیم است، همچنین سامانه جامع تجارت ایجاد شده است که همه فرآیندهای تجاری اعم از ثبت سفارش، تخصیص، تأمین و امور گمرکی در آن تعریف می‌شود و نرم‌افزارهای وزارت صمت، بانک

مرکزی و گمرک روی این سامانه سوار است و می‌توان گزارش‌های کاملی را از ابتدا تا انتهای زنجیره تجارت از این سامانه دریافت کرد. مسئولیت این سامانه با وزارت صمت است و سازمان‌ها و نهادهایی نیز بر آن نظارت می‌کنند.

اولین مشکل بازار ارز؛ صدور کارت بازرگانی بدون پشتوانه فعالیت تجاری

این کارشناس اقتصادی گفت: برای شروع تجارت ابتدا باید یک کارت بازرگانی صادر شود که صدور آن از وزارت صمت است و چگونگی صدور و اعتبارسنجی آن در قانون مشخص شده است، اما گاهی در اخبار می‌شنویم که مثلاً تعدادی از کارت‌های بازرگانی برای یک پیرزنی در یک روستای دورافتاده صادر شده است که نشان می‌دهد قوانین رعایت نشده است، چراکه سابقه فعالیت تجاری آن مشخص نیست و به چنین شخصی نمی‌توان میلیون‌ها دلار ارز تخصیص داد ولی متأسفانه شاهد این هستیم که این اتفاقات می‌افتد که از ابتدای شروع و انعقاد نطفه قانون، طوری عمل شود که از هر گونه سوءاستفاده و مشکلات این چنینی جلوگیری شود.

دومین مشکل بازار ارز؛ ثبت سفارش کالا

وی در ادامه با بیان اینکه پس از صدور کارت بازرگانی مرحله ثبت سفارش مطرح می‌شود، توضیح داد: ثبت سفارش پیچیدگی‌های خود را دارد و بینان تجارت کشور نیز محسوب می‌شود. اولین نکته که در ثبت سفارش باید به آن توجه کرد این است: برای یک صنعت و کالا در یک سال تجاری، ظرفیت ثبت سفارش آن چقدر باشد؟ برای مثال فرض کنید بودجه ارزی کشور ۵۰ میلیارد دلار است، در صورتی که ظرفیت ثبت سفارش را ۲۰۰ میلیارد دلار اعلام کنیم، کم‌کم طبیعتاً این روند، شرایط ارزی کشور را دچار چالش می‌کند و موجب افزایش نرخ ارز می‌شود، همچنین اگر ظرفیت ایجاد ثبت سفارش کالایی چند برابر شود، قطعاً پولشویی



که این بازار تقریباً ۲۰ تا ۲۰۰ درصد کل معاملات ارزی کشور است و بین ۱۲ تا ۱۵ میلیارد دلار ارزی دارند که نصف این گروه، از محل تأمین ارز صادراتی خود، واردات نیز انجام می‌دهند و ۵۰ درصد باقی‌مانده که اصولاً گروه خشکبار و آذین‌ها هستند، تلاش دارند از خود را به بالاترین قیمت به فروش برسانند، چراکه آنها معتقد هستند امتیاز شرکت‌های پتروشیمی اندازند و بهای تمام‌شده آنان ناشی از قیمت‌های روز در بازار غیررسمی است، لذا از حاصل از صادرات خود را یا عرضه نمی‌کنند یا آن را به سایر کالاهایی همچون خودرو، لپ‌تاپ و غیره با بالاترین نرخ و گذار می‌کنند.

این کارشناس در ادامه تصریح کرد: به‌طور کلی سیستم واردات و صادرات کشور، دارای یک چرخه معیوبی است که حسب شرایط و دستورات دچار چالش‌ها و اشکال‌های فراوانی است و لذا همین موضوع باعث بی‌نظمی‌های ارزی در کشور می‌شود.

روش ترخیص و رفع تعهدات و چالش‌های آن

وی در ادامه گفت: در بخش ترخیص، گاه به علت عدم تخصیص ارز از روش ۹۰۰۰ استفاده نمی‌شود، درواقع چه بخواهیم یا نخواهیم واردکننده، کالای خود را ترخیص کرده است که برای کالاهای اساسی و دارو به‌صورت ۱۰۰ درصدی ترخیص می‌شود و کالاهای صنعتی حدود ۱۰۰ درصد آن باقی می‌ماند. در بخش رفع تعهدات ارزی یعنی کوتاژ صادراتی به یک وارداتی وصل شود که در این چرخه، اختلالاتی همچون ثبت سفارش فراوان، صدور کارت بازرگانی بیش از حد و واردات بی‌نظم ایجاد می‌شود. واردات بی‌نظم مانند نه‌لنجی حدود ۷ الی ۱۲ میلیارد دلار تقاضا وارد بازار غیررسمی کشور می‌کنند، علاوه بر این، واردات‌های مسئول می‌بینند که هنوز کالاهای اساسی در کشور به‌صورت کافی تأمین نشده است و نیازهای مختلف برای مدیریت ارز و عرضه آن‌ها، با یک بخشنامه‌ای دستور واردات توسط استان‌ها می‌رزی آزاد می‌شود که می‌تواند سبب اختلال ارزی بیشتری شود. خسروی به بخش دیگری از چالش‌های ارزی کشور اشاره کرد و بیان داشت: قبلاً وزارت صمت به‌صورت هفتگی

مبالغ یک میلیارد دلار را برای تخصیص اعلام می‌کرد، در زمان حاضر، ثبت سفارش‌های هفتگی به ۶ الی ۷ میلیارد دلار رسیده است، چراکه از سوی شرکت‌های زیرمجموعه خود تحت فشار است و برای اینکه بتواند فشارها را نسبت به خود کمتر کند، این تخصیص را اعلام می‌کند. با توجه به کاهش وصول ارز توسط بانک مرکزی و افزایش مدت زمان ترخیص، این اقدامات قطعاً دچار اختلال بیشتری در بازار ارز خواهد شد، چراکه بازرگان مجبور است ارز مورد نیاز خود را از بازار آزاد تهیه کند تا به‌مرور زمان از تخصیص خود را از بانک مرکزی دریافت کند، این چرخه معیوب تکرار می‌شود تا وارد یک دور متفی شود.

او تحریم‌های نفتی، تسویه‌های پایان سال میلادی و افزایش تقاضای ارزی را از دیگر موارد تشدید شرایط

اخیر ارزی نام برد.

علاج مشکل چیست؟

این کارشناس اقتصادی گفت: با شفافیت و نظارت کامل توسط وزارت‌های صمت، جهاد کشاورزی و بهداشت و درمان بر شرکت‌هایی که ارز می‌گیرند، می‌توانیم بخش زیادی از اختلالات ارزی کشور را ترمیم کنیم و مانع افزایش نرخ ارز در بازار غیررسمی کشور شویم، این که: چگونه بازرگانی‌ها را حتی افزایش پیدای می‌کند که گروه‌هایی از نفغ هستند؟ ترخیص ۹۰۰ دقیقاً به چه میزان است و آمار دقیق آن برای کدام کالاها و شرکت‌هاست؟ و ده‌ها سؤال دیگر که اگر یک نظارت قوی و شفاف صورت بپذیرد، می‌توان از سایر مشکلات جلوگیری کرد. وی در ادامه تأکید کرد: مایه‌باید برای واردات کالا یک سقف معین و مشخص تعیین کنیم، مثلاً اگر قرار است واردات آیفون آزاد شود، یک حد معین برای آن مشخص شود و یا اگر قرار است از استان‌های مرزی وارداتی انجام شود، حد معین برای آن کالاها تعیین شود.

اقدامات بانک مرکزی چه باید باشد؟

به گفته خسروی، اگر اختلالاتی که توسط وزارتخانه‌ها ایجاد می‌شود، با نظارت شفاف اصلاح شود قطعاً می‌توان کنده‌نمی‌تواند بر اساس نظر خود ارز را به سایر کالاها تخصیص دهد، لذا آنچه وظیفه بانک مرکزی است این است که با ایجاد ابزارهای مختلف بتواند تنظیم‌گری کند و مانند یک داور بازی، تعیین کند که کدام نهاد خوب عمل می‌کند و کدام نهاد عملکرد خوبی ندارد.